

مجمع تشخیص مصلحت نظام
مرکز تحقیقات استراتژیک

چالش‌های اقتصادی ایران و جهانی شدن

کار مشترک: گروه پژوهشی شاخص‌سازی و آینده‌پژوهی و گروه برنامه و بودجه
تهیه‌کنندگان: دکتر رویا طباطبایی یزدی، فرزانه مافی
معاونت پژوهش‌های اقتصادی
آبان‌ماه ۱۳۸۶

کد گزارش: ۰۴-۲-۸۶-۲۹

بسمه تعالی

چالش‌های اقتصادی ایران و جهانی شدن

کد گزارش: ۲۹-۸۶-۲-۰۴

۱- مقدمه

جهانی شدن و آزادسازی در کشورهای در حال توسعه و صنعتی فرآیندی پیچیده و سخت بوده که سال‌های درازی به طول انجامیده است. به طوری که می‌توان به وجود یک تجارت کم و بیش آزاد با در نظر گرفتن و توجه به تولیدکنندگان و جریان‌های آزاد سرمایه بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه اشاره کرد.

آزادسازی و جهانی شدن به تنهایی نمی‌توانند رشد سریعتر اقتصادی را موجب شوند بلکه باید نرخ بالاتر رشد اقتصادی و اشتغال فراهم آید تا چنین کشورهایی ثبات و استحکام یابند.

رکود اقتصادی کشورهای گروه OECD در سال‌های پس از دهه ۱۹۸۰ را نمی‌توان به عوامل برون‌زا نظیر تکنولوژی نسبت داد. سؤال این است که چرا نتایج واقعی یک رژیم با اقتصاد آزاد و لیبرال با انتظارات تئوریک اقتصاددانان تا این حد متفاوت است. نتیجه این است که بازارهای مالی از دو طریق به ظاهر مستقل ولی در اصل مرتبط به هم، به رشد و انتظارات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه آسیب رسانده‌اند به طوری که اولاً: تغییرپذیری بازارها هزینه سرمایه را بالا می‌برد و سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند و ثانیاً: بازارهای مالی در حالت کلی دولت‌ها را مجبور می‌کنند که از سیاست‌های انقباضی و یا رشد کم تبعیت کنند. بنابراین انعطاف‌پذیری بازار کار تنها استراتژی بدیهی نخواهد بود که برای کشورهای صنعتی قابل اجراست بلکه باید به استراتژی جایگزین دیگری هم فکر کرد که بر پایه اصول متفاوتی وضع شده است و برای مردم، هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه ارجحیت دارد.

اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۴ به دلیل سیاست‌های اقتصاد کلان، بهبود توازن‌ها و شرایط بازار حمایتی

مالی، بسیار قوی بود.

جهان در سال ۲۰۰۴ در مقایسه با دهه گذشته، شاهد بیشترین نرخ رشد (۵/۳) بوده است. علاوه بر

رشد اقتصادی، درآمد سرانه در اغلب مناطق جهان افزایش معنی‌داری داشته است (IMF, ۲۰۰۷).

موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارد شده به کشورها از ۶۴۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ به

۱۰/۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۵ رسیده است (Unctad, ۲۰۰۷).

نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارد شده به کشورها به ترتیب در دوره‌های ۱۹۹۰-

۱۹۸۶، ۱۹۹۵-۱۹۹۱ و ۲۰۰۰-۱۹۹۶ برابر با ۲۱/۷، ۲۱/۸ و ۴۰/۰ درصد بوده است (Unctad, ۲۰۰۷).

عملکرد توسعه تجارت نیز به عنوان یک شاخص جهانی شدن اقتصادی، در سال‌های بعد از جنگ

نشان می‌دهد که صادرات کالاها و خدمات از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ از ۲۴۷۱ میلیارد دلار به ۱۲۸۲۲ میلیارد

دلار افزایش یافته است یعنی تقریباً ۵/۲ برابر شده است در صورتی که تولید جهانی از ۱۱۷۸۱ میلیارد دلار

به ۴۴،۷۴۵ میلیارد دلار در طی این مدت افزایش یافته و ۳/۸ برابر شده است (IMF, ۲۰۰۷).

در طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ تجارت جهانی به طور متوسط سالانه ۶/۱ درصد رشد داشته است که این

میزان رشد، به صورت سالانه همراه بیشتر از رشد جهانی تولید بوده است. به علاوه رشد فراتر تجارت

نسبت به تولید در سال‌های اخیر به غیر از سال ۲۰۰۱ در سال‌های بعد تداوم یافت به طوری که در

سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ارزش تجارت کالاها و خدمات به ترتیب ۲۵/۵ و ۲۹/۲ تریلیون دلار بوده است

(IMF, ۲۰۰۷).

برخی از اندیشمندان بر این باورند که با افزایش همگرایی اقتصادی در عرصه جهانی ظهور نظام

اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری، از سرعت و شتاب فزاینده‌ای برخوردار شده، پیشرفت‌های عظیم در حوزه

فناوری و ارتباطات به تدریج همگرایی اقتصادهای ملی و محلی را با اقتصاد جهانی تسهیل ساخته و بسیاری

از فعالیت‌های اقتصادی را به شبکه اقتصاد جهانی اتصال داده است. ولی بعضی دیگر از نظریه‌پردازان

معتقدند جهانی شدن، روندی نابرابر و نامتوازن است و بیشترین منفعت آن به کشورهای توسعه یافته جهان تعلق می‌گیرد؛ با این حال کشورهای در حال توسعه جهانی شده توانسته‌اند با تطبیق شرایط اقتصادی و اجتماعی خود از مزایای جهانی شدن برخوردار شوند.

حرکت کشورهای در حال توسعه به سمت ایجاد فضای باز اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی نتایج مختلفی را به بار آورده است. تعدادی از این کشورها با بهره‌گیری مناسب از امکانات فراهم شده، موفق شدند به نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتری دسترسی پیدا کنند و در حال حاضر در زمره کشورهای تازه صنعتی شده قرار گرفته‌اند.

بهترین نمونه این کشورها، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، هنگ‌کنگ و سنگاپور است که علیرغم مشکلات بازارهای مالی در سال ۱۹۹۷ در ردیف کشورهای پردرآمد قرار گرفتند.

تجربه ژاپن و کره جنوبی نشان داده است که این کشورها در طول دوران صنعتی شدن و رشد سریع اقتصادی سیاست‌های خود را اتخاذ کرده‌اند که کاملاً مخالف موارد توصیه شده توسط سازمانهای مالی چندجانبه است. برای مثال در دوره مربوطه، دو کشور کنترل وسیعی روی واردات اعمال کردند و از سرمایه‌گذاری خارجی حمایت نکردند و یک سیاست صنعتی داخلی قدرتمند را در پیش گرفتند و در حال حاضر شاهد بالا رفتن سطح زندگی مردم می‌باشند.

آسیای در حال توسعه تنها منطقه‌ای است که به رشد فزاینده‌ای در تولید داخلی در دوره جهانی شدن دست پیدا کرده است. شرق و جنوب شرقی آسیا در دهه ۱۹۸۰ رشد تولید معادل ۶/۷٪ در سال را تجربه کرده‌اند و در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ رشد غیر قابل باور سالانه ۱۰/۳٪ در سال را داشته‌اند. جالب اینکه رشد این کشورها در دهه ۱۹۹۰ بیشتر از رشدی است که آنان در دهه ۱۹۸۰ داشته‌اند و سهم آنان در تجارت بین‌المللی نیز به صورت مستمر افزایش یافته است. (Rahman kan, ۱۹۹۷, p ۹۱۸)

اگرچه فرآیند جهانی شدن فراگیر بوده اما بارزترین مصداق‌ها و نمودهای این فرآیند به حوزه اقتصاد

اختصاص دارد. جهانی شدن در بُعد اقتصادی از گستردگی، سرعت و عمق بیشتری برخوردار است و به دلیل اثرات بی‌واسطه و مستقیمی که در زندگی جوامع مختلف دارد در بررسی مقوله جهانی شدن از جایگاه محوری برخوردار است. وجه غالب و مسلط اقتصاد در فرآیند جهانی شدن به گونه‌ای است که ابعاد سیاسی و فرهنگی این فرآیند تحت تأثیر بُعد اقتصادی قرار دارند. برای حضور در اقتصاد جهانی الزاماتی مورد نیاز است که برخی از آنها عبارتند از:

الف - وجود ساختار تولیدی مناسب قابل رقابت در عرصه جهانی؛

ب - دسترسی راحت و بدون مانع به عوامل تولید؛

ج - ثبات در سیاست‌های مالی دولت، پولی، تجاری و ارزی؛

د - وجود زیرساخت‌های مناسب؛

ه - ثبات اقتصادی؛

و - آمادگی و حضور تدریجی در اقتصاد جهانی؛

ز - حضور در سازمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای.

جوهره جهانی شدن برای کشورهایی چون ایران را فرآیند تولید کالا، یا همترازی و همسانی فناوری و همزمانی تولید صنعتی تشکیل می‌دهد. بدیهی است در ایران، علی‌رغم باب شدن عبارت «جهانی شدن»، هنوز نیازمند گام‌های مؤثری در جهت درک معنا و توجه به آن در راهبردهای توسعه هستیم. به همین دلیل یکی از آفات نظری درک نادرست از جهانی شدن (مشابه درک نادرست از سیاست‌های تعدیل در دهه پانزده سال پیش) در شکل تلخیص آن به نمونه‌هایی چون گسترش آزادانه تجارت و بازارهای مالی، و تعجیل برای «هم‌نشینی با بزرگان» در این زمینه‌هاست؛ چنانکه در طرف دیگر، جهانی شدن به توطئه یا ترفندی جدید برای فریب و غارت بیشتر و انحلال هویت و استقلال ملتها تقلیل داده می‌شود.

جهانی شدن، به منزله جهانی شدن فرآیند تولید کالا، فرصت تاریخی کشورهای پیرامونی برای تکمیل

فرآیند صنعتی شدن است. در حالی که حتی کشورهای نفتی نیز در حال بهره‌گیری از این فرصت هستند و برای مثال سهم محصولات صنعتی را در کل صادرات خود از ۶/۷ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۲۶/۸ درصد در سال ۱۹۹۵ رسانده‌اند، و در کل در کشورهای در حال توسعه و در دوره مذکور، این رقم از ۲۷/۸ درصد به ۵۴/۵ درصد رسیده است. در ایران سهم صادرات صنعتی از کل صادرات سیر نزولی داشته است.

اما معمولاً به جای بهره‌گیری از این فرصت تاریخی و آماده ساختن زیربنای اقتصادی و روبنای نهادی (حقوقی و سیاسی) برای حضور و مشارکت در فرآیند جهانی تولید صنعتی، در ایران از یک سو گشودن هر چه سریعتر بازارها برای واردات کالا (چون تولیدی برای صادرات وجود ندارد) و از سوی دیگر، انزوای کشور برای برکنار ماندن از آسیب‌های جهانی شدن مطرح می‌شود. از لحاظ زیربنایی، ایجاد شبکه‌های نوین ارتباطی به منزله زیربنای عصر اطلاعات و حضور سرمایه و فناوری خارجی باید در دستور کار باشد تا با فشردگی زمان و مکان امکان همسانی فناوری و همزمانی تولید کالا در ایران با جهان فراهم آید؛ چنان که از لحاظ حقوقی و سیاسی نیز باید زمینه حضور سرمایه خارجی (برای فناوری پیشرفته و بازاریابی) مهیا گردد. همانطور که اشاره شد پیروسی جهانی شدن خواسته یا ناخواسته اقتصاد کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای جلوگیری از مضار جهانی شدن و بهره‌مندی از منافع آن باید با یک برنامه استراتژیک ضمن بررسی و شناخت وضع موجود اقتصاد کشور و جایگاه و رتبه جهانی آن نسبت به تأمین منافع ملی و رفاه اقتصادی برنامه‌ریزی نمود. در همین راستا در بخش دوم گزارش با بررسی وضعیت موجود اقتصاد کشور طی سال‌های ۲۰۰۵ - ۱۹۹۴ و پیش‌بینی وضعیت آینده اقتصاد طی سال‌های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۵ در مقایسه با خاورمیانه، کشورهای آسیایی در حال توسعه و جهان پرداخته شده است.

۲- بررسی وضعیت اقتصادی ایران در مقایسه با خاورمیانه، کشورهای آسیایی در حال توسعه و جهان

برای تأمین منافع ملی و ارتقای رفاه اقتصادی کشور، نیازمند سیاستها و استراتژی‌هایی هستیم که در مواجهه با تهدیدات و فرصت‌های ناشی از دنیای رو به جهانی شدن، منافع کشور را به طور مؤثر تأمین کند.

لذا جهت رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و دستیابی به جایگاهی مناسب برای خود نیازمند برنامه‌ریزی و هدایت همه‌جانبه منابع اقتصادی هستیم. به طوری که بتوانیم به عنوان عنصری مؤثر در شکل‌دهی دنیای جهانی شده مشارکت داشته و به سهم خود دست یابیم.

در این پژوهش وضعیت اقتصادی ایران با توجه به سند چشم‌انداز با کشورهای در حال توسعه، خاورمیانه و جهان مورد مقایسه قرار گرفته است که ضمن بررسی وضعیت فعلی آنها پیش‌بینی آنها نیز در این مقایسه مورد نظر قرار گرفته است. آمار و اطلاعات جمع‌آوری شده از به هنگام‌ترین آمارها و اطلاعات موجود می‌باشند. این اطلاعات از صندوق بین‌المللی پول (IMF) و سازمان بین‌المللی کار (ILO) اخذ شده است.

به طور کلی چشم‌انداز اقتصادی کشورها از طریق شاخص‌های مختلفی مربوط به تولید ناخالص داخلی (GDP)، اطلاعات نیروی کار و حساب جاری، نرخ تورم، نرخ بهره، تراز بودجه و شاخص محیط کسب و کار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در این گزارش برای بدست آوردن وضعیت اقتصادی کشور روند شاخص‌ها در ۱۲ سال گذشته و پیش‌بینی وضعیت آنها طی سه سال آینده تا سال ۲۰۰۸ صورت پذیرفته است. در زیر به شرح شاخص‌ها و مقایسه آنها پرداخته شده است.

۲-۱- تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت جاری بر حسب دلار آمریکا

شاخص تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری دلار آمریکا یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی بزرگی یا کوچکی اقتصاد کشورها می‌باشد و گویای این است که در فاصله سال‌های ۱۹۹۴ - ۲۰۰۵ اقتصاد ایران ۲/۸ برابر شده است. پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۸، نسبت به سال پایه (۱۹۹۴)، ۳/۶ برابر گردد.

متغیر مورد نظر در کشورهای خاورمیانه در این فاصله زمانی ۱۵ ساله، ۳/۲ برابر شده است و این در حالی است که این متغیر در کشورهای آسیایی در حال توسعه در همین فاصله زمانی بر اساس پیش‌بینی‌ها

۳/۹ برابر خواهد شد و تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری در جهان نیز در این فاصله زمانی ۲/۱ برابر خواهد شد.

بنابراین ایران به طور متوسط نسبت به کشورهای آسیایی در حال توسعه از رشد کمتری برخوردار بوده است.

البته شایان ذکر است که رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرفته به دلیل نزدیکی اقتصاد آنها به شرایط اشتغال کامل، بسیار کم می‌باشد و این دلیل رشد تولید ناخالص داخلی پایین جهان در مقایسه با رشد کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

۲-۲- رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت‌های ثابت (درصد)

روند رشد تولید ناخالص داخلی ایران طی سال‌های ۱۹۹۴ - ۲۰۰۵ حاکی از نوسان و فراز و نشیب است ولی در مجموع رشد مثبت داشته است و در سال ۲۰۰۵ برابر با ۴/۴ درصد بوده است که این مقدار نسبت به خاورمیانه در همان سال که برابر با ۵/۴ درصد است حاکی از رشد کمتری می‌باشد. البته رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه در سال‌های اخیر تا حدودی به دلیل قیمت بالای نفت و گاز در این سالهاست و این مقدار نسبت به کشورهای آسیایی در حال توسعه که ۹/۲ درصد می‌باشد نشان از کم بودن اقتصاد کشورهای خاورمیانه نسبت به کشورهای آسیایی در حال توسعه است.

در پیش‌بینی وضعیت رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۸ نیز رشد ۵ درصدی را نسبت به ۵/۵ درصدی خاورمیانه و ۸/۴ درصدی کشورهای آسیایی در حال توسعه و ۴/۰ درصدی جهان دیده شده است که حاکی از رشد کمتر تولید ناخالص داخلی ایران نسبت به خاورمیانه و کشورهای آسیایی در حال توسعه است.

جدول ۱- تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت جاری (میلیارد دلار آمریکا)

نام کشور	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
ایران	۶۷/۰۹۴	۹۰/۸۳۸	۱۱۰/۶۲۳	۱۰۶/۳۵۱	۹۷/۶۶۹	۱۰۴/۶۵۶	۹۶/۴۴۰	۱۱۵/۴۳۵	۱۱۶/۴۲۱	۱۳۳/۹۶۹	۱۶۱/۲۶۱	۱۸۸/۴۷۹	۲۱۲/۴۸۲	۲۲۵/۹۲۹	۲۴۱/۰۰۶
خاورمیانه	۴۲۴/۸۹۵	۴۶۷/۲۷۰	۵۲۳/۷۹۹	۵۴۳/۰۲۰	۵۰۹/۱۳۲	۵۵۹/۲۷۵	۶۲۸/۶۵۳	۶۳۲/۰۱۹	۶۳۵/۱۸۵	۷۱۰/۲۷۹	۸۲۲/۹۶۰	۱۰۰۴/۳۱۸	۱۰۱۷۵/۱۱۷	۱۰۲۶۱/۵۳۳	۱۰۳۷۶/۷۹۱
کشورهای آسیایی در حال توسعه	۱۰۴۹۹/۰۵۸	۱۸۱۰/۳۵۶	۲۰۰۳۱/۶۲۳	۲۰۱۲۱/۱۶۷	۱۰۹۷۵/۱۰۹	۲۰۱۴۴/۶۷۲	۲۰۳۰۹/۹۶۸	۲۰۴۲۵/۵۸۵	۲۰۶۴۱/۵۹۲	۲۰۰۴/۶۸۸	۲۰۴۷۹/۴۷۸	۴۰۰۴/۲۰۱	۴۰۶۷۹/۶۰۰	۵۰۳۱۳/۷۸۲	۵۰۸۸۴/۷۵۷
جهان	۲۶۰۵۷۵/۲۰۰	۲۹۰۵۰۰/۸۶۲	۳۰۰۲۰۴/۵۹۳	۳۰۰۰۶۷/۹۳۳	۲۹۸۰۰/۷۲۰	۳۰۰۹۰۷/۷۱۰	۳۱۰۷۵۹/۱۰۳	۳۱۰۵۴۲/۴۲۴	۳۲۰۸۱۲/۸۰۹	۳۶۰۸۵۳/۲۷۴	۴۱۰۴۳۱/۸۶۸	۴۴۰۶۸۸/۲۰۰	۴۸۰۱۴۴/۴۶۶	۵۱۰۵۱۱/۱۹۹	۵۴۰۶۷۸/۴۲۶

مأخذ: صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۷

جدول ۲- رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت (درصد)

نام کشور	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
ایران	-۰/۴	۲/۷	۷/۱	۳/۴	۲/۷	۱/۹	۵/۱	۳/۷	۷/۵	۷/۲	۵/۱	۴/۴	۵/۳	۵/۰	۵/۰
خاورمیانه	۲/۱	۲/۷	۴/۹	۴/۱	۳/۷	۱/۸	۵/۴	۳/۰	۳/۹	۶/۵	۵/۶	۵/۴	۵/۷	۵/۵	۵/۵
کشورهای آسیایی در حال توسعه	۹/۷	۹/۰	۸/۴	۶/۶	۴/۳	۶/۴	۷/۰	۶/۰	۷/۰	۸/۴	۸/۷	۹/۲	۹/۴	۸/۸	۸/۴
جهان	۳/۸	۳/۷	۴/۱	۴/۲	۲/۷	۳/۷	۴/۸	۲/۵	۳/۱	۴/۰	۵/۳	۴/۹	۵/۴	۴/۹	۴/۹

مأخذ: صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۷

۲-۳- تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت‌های جاری دلار آمریکا

تولید ناخالص داخلی سرانه یکی از مهمترین شاخص‌های نشان‌دهنده وضعیت رفاهی کشورهای مورد بررسی می‌باشد. وضعیت تولید ناخالص داخلی سرانه ایران در طی سال‌های ۱۹۹۴ الی ۲۰۰۵ روند رو به رشدی را داشته است. به طوری که در سال ۲۰۰۵ برابر با ۲۷۴۷ دلار بوده است اما این عدد در مقایسه با درآمد ناخالص سرانه جهان در همان سال که برابر با ۷۰۱۱ دلار بوده است، می‌تواند نشان‌دهنده وضعیت نامناسب رفاهی ایران در مقایسه با متوسط جهانی این متغیر باشد. در این سال از کشورهای منطقه فقط عربستان سعودی با متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه برابر با ۱۳۴۰۹ دلار، بالاتر از متوسط دنیا بوده است.

۲-۴- تولید ناخالص داخلی (GDP) بر اساس برابری قدرت خرید (PPP)

شاخص تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده اندازه کشورهاست و یکی از بهترین شاخص‌ها جهت مقایسه‌های بین‌المللی است. از نقطه نظر این شاخص وضعیت ایران طی سال‌های ۱۹۹۴ الی ۲۰۰۵ روند رو به رشدی داشته است و در سال ۲۰۰۵ برابر ۵۵۴/۷ میلیارد دلار بوده است.

رشد تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید در فاصله ۱۵ ساله ۲۰۰۸ - ۱۹۹۴، در ایران کمتر از کشورهای آسیایی در حال توسعه بوده است.

جدول ۳- تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت جاری (دلار آمریکا)

نام کشور	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
ایران	۱,۰۸۴/۰۵۸	۱,۴۱۶/۶۹۳	۱,۷۶۹/۷۰۸	۱,۷۴۵/۴۹۰	۱,۵۸۲/۵۶۸	۱,۶۶۵/۶۶۳	۱,۵۰۹/۲۴۵	۱,۷۷۶/۳۰۷	۱,۷۶۱/۵۳۲	۱,۹۹۳/۱۶۸	۲,۳۵۹/۰۹۹	۲,۷۴۷/۵۱۳	۳,۰۴۵/۷۶۸	۳,۱۸۴/۲۴۱	۳,۳۳۹/۹۶۳

مأخذ: صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۷

جدول ۴- تولید ناخالص داخلی (GDP) بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) - میلیارد دلار آمریکا

نام کشور	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
ایران	۲۶۸/۰۷۵	۲۸۰/۸۱۶	۳۰۶/۴۵۸	۳۲۲/۱۰۳	۳۳۴/۶۰۱	۳۴۶/۰۰۷	۳۷۱/۷۳۰	۳۹۴/۶۱۵	۴۳۱/۴۳۶	۴۷۰/۲۵۳	۵۱۰/۶۴۶	۵۵۴/۷۴۴	۶۰۱/۶۷۵	۶۴۳/۸۶۷	۶۸۸/۷۰۳
خاورمیانه	۸۷۰/۲۸۳	۹۱۳/۹۱۷	۹۷۶/۱۹۰	۱,۰۳۲/۹۱۱	۱,۰۸۲/۴۵۳	۱,۱۱۷/۱۷۰	۱,۲۰۱/۵۵۵	۱,۲۶۶/۳۳۳	۱,۳۴۰/۰۷۳	۱,۴۵۵/۲۵۲	۱,۵۷۸/۷۱۵	۱,۷۱۹/۶۳۰	۱,۸۷۳/۵۸۵	۲,۰۱۴/۴۰۹	۲,۱۶۶/۵۲۸
کشورهای آسیایی در حال توسعه	۵,۹۲۲/۰۴۹	۶,۵۸۶/۷۳۶	۷,۲۷۶/۶۵۱	۷,۸۸۸/۲۱۰	۸,۲۷۹/۲۴۷	۸,۹۲۰/۴۹۶	۹,۷۵۰/۱۴۴	۱۰,۵۸۰/۸۵۲	۱۱,۵۰۸/۵۹۵	۱۲,۷۳۵/۰۹۴	۱۴,۲۴۶/۵۳۴	۱۵,۹۸۲/۱۳۰	۱۷,۸۷۳/۹۶۱	۱۹,۷۹۶/۱۷۶	۲۱,۸۵۷/۲۴۸
جهان	۳۲,۵۳۵/۵۲۳	۳۴,۳۷۵/۷۲۷	۳۶,۴۱۵/۶۵۰	۳۸,۵۵۲/۶۹۱	۳۹,۹۸۸/۹۳۳	۴۲,۰۳۹/۱۵۶	۴۵,۰۰۹/۹۹۹	۴۷,۲۲۷/۳۸۰	۴۹,۴۷۲/۷۲۷	۵۲,۵۰۹/۸۷۱	۵۶,۷۸۱/۹۰۳	۶۱,۲۵۸/۷۱۴	۶۶,۲۲۸/۶۶۹	۷۰,۸۰۶/۵۶۹	۷۵,۶۳۱/۷۴۶

مأخذ: صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۷

۲-۵- تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه بر اساس (PPP)

تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) نیز به عنوان یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده وضعیت رفاهی آحاد کشورهای مورد بررسی شناخته می‌گردد. تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس PPP در ایران در سال ۲۰۰۵ برابر با ۸۰۸۶/۷ دلار بوده است و این در حالی است که (GDP) سرانه براساس (PPP) در خاورمیانه در همان سال برابر با ۷۳۵۵/۹ دلار و در مورد کشورهای آسیایی در حال توسعه برابر با ۴۸۳۷/۶ دلار بوده است. بنابراین در سال ۲۰۰۵ ایران از نقطه‌نظر این شاخص از وضعیت بهتری نسبت به متوسط خاورمیانه و متوسط کشورهای آسیایی در حال توسعه برخوردار بوده است. این در حالی است که برای سال ۲۰۰۸ این شاخص برای ایران ۹۵۴۴/۳ دلار، برای خاورمیانه ۸۶۳۴/۱ دلار و برای کشورهای آسیایی در حال توسعه ۶۳۹۳/۴ دلار پیش‌بینی می‌شود.

۲-۶- تولید ناخالص داخلی (GDP) بر اساس (PPP) سهم از دنیا

تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید سهم از دنیا، یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده بزرگی یا کوچکی کشورهای مورد بررسی است. در سال ۲۰۰۵، تولید ناخالص داخلی بر اساس PPP سهم از دنیا برای ایران ۰/۹ درصد و برای خاورمیانه ۲/۸ درصد بوده است و این نشانگر این است که ایران کمی کمتر از یک‌سوم این متغیر را در کل خاورمیانه در اختیار دارد و نشان از بزرگی اقتصاد ایران در سطح خاورمیانه دارد. مقدار عددی این شاخص برای سال ۲۰۰۸ به ترتیب برای ایران، خاورمیانه و کشورهای آسیایی در حال توسعه برابر با ۰/۹، ۲/۹ و ۲۹/۰ درصد پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۵- تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) - دلار آمریکا

نام کشور	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
ایران	۴,۳۳۱/۳۸۱	۴,۳۷۹/۵۳۷	۴,۹۰۲/۶۱۸	۵,۲۸۶/۵۳۳	۵,۴۱۰/۵۷۵	۵,۵۰۶/۹۰۵	۵,۸۱۷/۴۰۰	۶,۰۷۲/۳۱۸	۶,۵۲۷/۹۴۳	۶,۹۹۶/۳۳۴	۷,۴۷۰/۲۹۱	۸,۰۸۶/۶۵۳	۸,۶۲۴/۱۶۶	۹,۰۷۴/۶۵۹	۹,۵۴۴/۳۱۷
خاورمیانه	۴,۶۸۴/۸۶۹	۴,۷۷۹/۴۳۸	۵,۰۶۲/۰۶۱	۵,۲۹۴/۱۸۴	۵,۴۲۴,۴۵۱	۵,۴۷۰/۲۴۵	۵,۷۶۰/۶۰۹	۵,۹۳۱/۷۰۴	۶,۱۳۱/۸۹۶	۶,۵۰۴/۶۲۸	۶,۸۸۶/۹۱۴	۷,۳۵۵/۸۸۸	۷,۸۲۸/۰۱۱	۸,۲۲۰/۳۰۹	۸,۶۳۴/۱۰۹
کشورهای آسیایی در حال توسعه	۲,۰۸۶/۶۳۳	۲,۲۸۵/۱۶۵	۲,۴۸۵/۳۹۴	۲,۶۵۲/۵۸۶	۲,۷۴۳/۵۷۴	۲,۹۱۴/۹۲۲	۳,۱۳۴/۵۲۳	۳,۳۶۲/۹۱۸	۳,۶۱۱/۶۲۸	۳,۹۴۸/۷۲۹	۴,۳۶۳/۰۳۹	۴,۸۳۷/۵۶۵	۵,۳۴۸/۷۲۱	۵,۸۵۶/۶۳۷	۶,۳۹۳/۳۵۳

مأخذ: صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۷

جدول ۶- تولید ناخالص داخلی (GDP) بر اساس PPP سهم از دنیا (درصد)

نام کشور	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
ایران	۸۲۴/۰	۸۱۷/۰	۸۴۲/۰	۰/۸۳۵	۰/۸۳۷	۰/۸۲۳	۰/۸۲۶	۰/۸۳۶	۰/۸۷۲	۰/۸۹۶	۰/۸۹۹	۰/۹۰۶	۰/۹۰۸	۰/۹۰۹	۰/۹۱۱
خاورمیانه	۲/۶۸	۲/۶۶	۲/۶۹	۲/۶۸	۲/۷۰	۲/۶۵	۲/۶۷	۲/۶۸	۲/۷۰	۲/۷۷	۲/۷۸	۲/۸۱	۲/۸۳	۲/۸۴	۲/۸۶
کشورهای آسیایی در حال توسعه	۱۸/۲۰	۱۹/۱۶	۲۰/۰۰	۲۰/۴۶	۲۱/۰۰	۲۱/۲۱	۲۱/۶۶	۲۲/۴۰	۲۳/۲۶	۲۴/۲۵	۲۶/۰۰	۲۷/۰۰	۲۷/۰۰	۲۸/۰۰	۲۹/۰۰

مأخذ: صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۷

۲-۷- نرخ تورم (درصد)

نرخ تورم به عنوان یکی از شاخص‌های مهم تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی کشورها شناخته می‌گردد. از نقطه‌نظر این شاخص ایران بدترین وضعیت را در طی سالهای اخیر داشته است به طوری که مقدار عددی این شاخص در سال ۲۰۰۵ برابر است با ۱۲/۱ درصد بوده و این در حالی است که متوسط نرخ تورم در خاورمیانه برابر ۷/۱ درصد و برای کشورهای آسیایی در حال توسعه برابر با ۳/۶ درصد و متوسط نرخ تورم جهان برابر با ۳/۷ درصد بوده است.

پیش‌بینی وضعیت تورم برای ایران برای سال ۲۰۰۸ برابر با ۱۵/۸ درصد و برای خاورمیانه ۸/۷ درصد و برای کشورهای آسیایی در حال توسعه برابر با ۳/۴ درصد و برای جهان برابر ۳/۵ درصد می‌باشد که این پیش‌بینی نیز حاکی از وضعیت وخیم نرخ تورم در ایران نسبت به منطقه و جهان می‌باشد.

جدول ۷- نرخ تورم (درصد)															
نام کشور	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
ایران	۳۵/۲	۴۹/۴	۲۳/۲	۱۷/۳	۱۸/۱	۲۰/۱	۱۲/۶	۱۱/۴	۱۵/۸	۱۵/۶	۱۵/۲	۱۲/۱	۱۴/۶	۱۷/۸	۱۵/۸
خاورمیانه	۱۴/۲	۱۸/۴	۱۰/۰	۶/۹	۶/۸	۶/۶	۴/۰	۳/۸	۵/۳	۶/۲	۷/۲	۷/۱	۷/۹	۱۰/۶	۸/۷
کشورهای آسیایی در حال توسعه	۱۵/۶	۱۳/۱	۸/۲	۴/۹	۷/۸	۲/۵	۱/۸	۲/۷	۲/۰	۲/۵	۴/۱	۳/۶	۴/۰	۳/۹	۳/۴
جهان	۲۷/۸	۱۴/۴	۸/۵	۵/۹	۵/۴	۵/۰	۴/۳	۴/۰	۳/۴	۳/۶	۳/۶	۳/۷	۳/۸	۳/۵	۳/۵

مأخذ: صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۷

۲-۸- شاخص محیط کسب و کار

از نقطه‌نظر شاخص محیط کسب و کار وضعیت ایران در سال ۲۰۰۷ وضعیت مناسبی نمی‌باشد و مقدار عددی آن برابر با ۴/۳۵ از ۱۰ است و رتبه جهانی کشور در مورد محیط کسب و کار نیز ۷۹ از ۸۲ کشور مورد مطالعه بوده است.

جدول شماره ۸ - شاخص و رتبه جهانی محیط کسب و کار در سال ۲۰۰۷

رتبه جهانی محیط کسب و کار بین ۸۲ کشور	شاخص محیط کسب و کار (از حد اکثر ۱۰)	شرح کشور
۷۹	۴/۳۵	ایران

مأخذ: August ۲۰۰۷, Economist Intelligence Unit

۳ - جمع بندی

جهانی شدن در پیوند با مسائل فرهنگی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی می باشد اما مهمترین بعد جهانی شدن بعد اقتصادی آن است. جهانی شدن اقتصاد می تواند به عنوان فرصتی بی نظیر قلمداد شود که دولت ها با بازسازی اقتصاد خود به افزایش درآمد ملی و افزایش رفاه مردم پردازند.

جهانی شدن در ابعاد مختلف، تأثیرات قابل ملاحظه ای را بر تمامی اقتصادهای ملی و منطقه ای گذاشته است. همچنین اشتغال نیروی کار و سایر نهاده های فرآیند تولید را نیز تحت تأثیر قرار داده است. علاوه بر این، سرمایه را نیز (هم سرمایه انسانی و هم سرمایه مادی) را دستخوش تغییرات کرده است. این پدیده، فن آوری را تحت تأثیر قرار داده و انتقال تکنولوژی از کشور مبداء به سایر کشورها را امکان پذیر ساخته است. همچنین اثرات چشمگیری بر کارایی، بهره وری و رقابتی کردن بازارها دارد. بعضی از نظریه پردازان معتقدند جهانی شدن، روندی نابرابر و نامتوازن است و بیشترین منفعت آن به کشورهای توسعه یافته جهان تعلق می گیرد. با این حال بسیاری از کشورهای جهانی شده (از میان کشورهای در حال توسعه) توانسته اند با تطبیق شرایط اقتصادی و اجتماعی خود از مزایای جهانی شدن برخوردار شوند.

به منظور بررسی وضعیت اقتصادی ایران و مقایسه آن با خاورمیانه و کشورهای آسیایی در حال توسعه و جهان، ۸ شاخص اقتصادی انتخاب گردید. رشد ایران و کشورهای خاورمیانه (که اکثر آنها کشورهای

اسلامی می‌باشند) در طول ۱۵ سال مورد مطالعه نسبت به کشورهای آسیایی در حال توسعه کمتر بوده است که لازم است ایران به همراه کشورهای اسلامی در جهت دستیابی به رشدهای بالاتر و استفاده از ظرفیت‌های خالی اهتمام ورزند.

تولید ناخالص داخلی سرانه در ایران پایین‌تر از کشورهای آسیایی در حال توسعه و جهان است.

در مورد نرخ تورم ایران از وضعیت بسیار نامناسبی نسبت به خاورمیانه و کشورهای در حال توسعه آسیایی و جهان برخوردار است.

در مورد شاخص محیط کسب و کار نیز ایران از وضعیت مناسبی برخوردار نیست که لزوم توجه به بهبود این شاخص مهم اقتصادی را نمایان می‌سازد.

۴- راهبردها

۱- جهانی شدن چه بخواهیم و چه نخواهیم در حال انجام است. ایران و کشورهای در حال توسعه چه بازیگر باشند و چه تماشاگر از آن تأثیر خواهند پذیرفت. بنابراین داشتن استراتژی و برنامه مناسب و استفاده از روش‌های علمی برای ورود به اقتصاد جهانی الزامی است تا از تبعات منفی جهانی شدن اقتصاد کاسته شود.

۲- اقتصادهای ملی به منظور مواجهه با چالش‌های اقتصاد جهانی و برای جلوگیری از عقب‌ماندگی در عرضه رقابت جهانی ناگزیر از بازسازی فوری می‌باشند و به همین دلیل باید به مزیت‌های نسبی و رقابتی خود اهمیت بیشتری بدهند.

۳- ضروری است که نهادهای قدیم اصلاح شده و یا نهادهای جدیدی ایجاد شوند که توانایی مقابله با چالش‌های اقتصادی نظیر مشکلات توزیعی و آسیب‌پذیری متقابل ناشی از جهانی شدن را داشته باشند. این نهادها باید برخوردار از وسعت نظر و حیطه عمل جهانی باشند و منابع و مکانیسم‌های قابل توجهی نظیر

اقتدار و توان تصمیم‌گیری فراملی به همراه شفافیت و پاسخگویی مناسب، در اختیار داشته باشند.

۴ - کشورهای در حال توسعه و بویژه ایران باید برای جلوگیری از تأثیرات منفی اقتصاد جهانی بر آنها

تدابیر لازم را اتخاذ و خود را برای رویارویی با چالش‌های جهانی شدن اقتصاد مهیا سازند؛ در زیر به برخی

از آنها اشاره می‌گردد:

- شفاف کردن سیاست‌های اقتصادی؛

- ایجاد فضای مناسب اقتصادی برای فعالان اقتصادی و هماهنگ‌سازی این سیاست‌ها با سیاست‌های

بین‌المللی؛

- ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه‌ی تکنولوژی؛

- توجه کافی به بومی کردن تکنولوژی وارداتی؛

- اتخاذ یک استراتژی بلندمدت برای توسعه پایدار.